

دو فصلنامه قرآن در آینه پژوهش

سال اول، شماره اول

بهار و تابستان ۹۳

صفحات ۱۰۳-۱۲۲

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن*

نبی‌الله صدری‌فر**

دکتر محمد مولوی***

دکتر علی نصیری****

چکیده

واژه صراط در قرآن ۴۵ بار استعمال شده است؛ این آیات به سه دسته قابل تقسیم‌اند. دسته اول: اشاره به مصادیق عینی صراط دارند. دسته دوم: عوامل هدایت به صراط مستقیم و دسته سوم: اوصاف صراط را بیان نموده‌اند. اشکال برخی مبنی بر اشاره قرآن به صراط‌ها وارد نیست. زیرا مستند این عده (که صراط نکره را دلیل بر معنی صراط‌ها گرفته‌اند)، مردود است. زیرا اولاً: صراط به صورت جمع استعمال نشده است. ثانیاً: در تعدادی از آیات ادعا شده، تنوین نه برای تنکیر بلکه تنوین تفخیم است. به علاوه، با در نظر گرفتن مجموع آیات صراط (معرفه و نکره) روشن شده که معرفه به نظام تکوین و نکره به نظام تشریع اشاره دارد. گروهی از آیات هم خارج از مسأله است.

کلید واژه‌ها: صراط، مستقیم، مصادیق، اوصاف.

* - تاریخ دریافت: ۹۳/۰۸/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۰۹

** مربی گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

**** دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علم و صنعت.

sadrifar@gmail.com

molavi@isr.ikiu.ac.ir

Dr.alinasiri@gmail.com

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۲

مقدمه

واژه «صراط مستقیم» به صورت معرفه و نکره، در قرآن کریم، حدود چهل و پنج مرتبه استعمال شده است. از این تعداد، صراط به صورت معرفه و با الف و لام تعریف «الصراط»، شش مرتبه به کار رفته است، که دو بار با صفت مستقیم؛ «الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ» یک مرتبه با صفت سوی «الصِّرَاطَ السَّوِی» و سه بار به صورت «الصراط» استعمال شده است. صراط بدون الف و لام تعریف، سی و نه مرتبه در قرآن ذکر شده است که ۲۳ مرتبه با صفت مستقیم به صورت «صراط مستقیم»؛ چهار مرتبه به شکل «صراطاً مستقیماً» دو مرتبه «صراط الله» و «صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» و یک مرتبه «صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِیماً» و «صِرَاطَ الَّذِينَ» و «صِرَاطِی مُسْتَقِیماً» و «صِرَاطُكَ الْمُسْتَقِیْم» و «صِرَاطُ عَلَی مُسْتَقِیْم» و «صِرَاطاً سَوِیاً» و «صِرَاطِ الْحَمِيدِ» و «صِرَاطِ الْجَنِّیم» به کار رفته است. از این تعداد، برخی آیات بر مصادیق صراط مستقیم، برخی نشانه‌های صراط و دسته‌ای دیگر به عوامل هدایت به صراط مستقیم اشاره دارند. در این میان برخی شبهه‌ای را مطرح نموده و مدعی شده‌اند، قرآن کریم، بر پلورالیسم دینی مهر تایید زده است. اینان، برای اثبات مدعای خود به آیاتی استناد جسته‌اند؛ از جمله این آیات، آیاتی است که در آن واژه صراط به صورت نکره به کار رفته و نکره بودن را دلیل بر تعدد صراط و در نتیجه تأیید پلورالیسم دینی دانسته‌اند (سروش، ۱۳۷۷: ۱۲۷). سؤال اینجاست که آیا استعمال صراط مستقیم (به صورت نکره) در قرآن کریم، بدین معناست که قرآن بر صراط‌های مستقیم، صحه گذاشته و هر پیامبری برای خود و امتش یک صراط مستقیم باقی گذاشته و پیروان ادیان مختلف در حال حاضر همگی بر حق و صراط مستقیم‌اند؟ این تحقیق، در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش می‌باشد. برای دریافت پاسخ صحیح به این پرسش از قرآن حکیم، با احصای آیاتی که صراط مستقیم در آن استعمال شده است، به تحلیل و بررسی مسأله خواهیم پرداخت، تا بتوان جمع‌بندی و پاسخ صحیحی از مجموع آیات قرآنی دریافت نمود.

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۳

تعاریف

الف: صراط در لغت

برخی اصل **صاد** در واژه صراط را سین دانسته‌اند که به خاطر حرف ط و نزدیکی مخرجشان تبدیل به صاد شده است. نقل شده که صراط و سراط و زراط هر سه به معنای طریق است (ابن منظور، بی‌تا، ج ۷: ۳۴۰). برخی دیگر این که اصل صراط از سراط باشد را، رد نموده و یادآور شده‌اند که ظاهراً کلمه صراط مستقل می‌باشد و غیر مبدل از سراط و بین این دو تفاوت زیادی است و دلیل بر این مطلب، آن است که صراط مشتق ندارد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۲۲۸). صراط، لغت فصیحی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۲۵۹) و به معنای طریق و راه مستقیم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۳).

ب: مستقیم

در ۴۵ موردی که در قرآن کلمه صراط به کار رفته است، ۲۳ مورد آن با صفت مستقیم همراه بوده است (صِرَاطٌ مُسْتَقِیمٌ) و چهار مورد آن نیز به صورت منصوبی صفت صراط قرار گرفته است (صِرَاطًا مُسْتَقِیمًا). مستقیم از ریشه قوم گرفته شده و استقامت در طریقی که راست و بر خطّ مستوی باشد گفته می‌شود و طریق حق را به آن تشبیه می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۶۹۲).

صراط مستقیم

تعاریف متعددی از مفسران و اندیشمندان علوم اسلامی ارائه شده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

- صراط مستقیم، دین حق است که خداوند غیر آن را از بندگانش قبول نمی‌کند. و دین را صراط نامیده‌اند چون رونده را به سوی بهشت می‌رساند. همان گونه که صراط هم رونده را به مقصدش می‌رساند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۲۵۹).
- صراط مستقیم، آن راهی را می‌گویند که سالک و سیرکننده را به هدف نهایی؛ یعنی به نعمت ابدی و رضوان پروردگار می‌رساند و این راه عبارت است از این که

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۴

مخلوق از خالق خود اطاعت کند و در برابر هیچ یک از اوامر و نواهی او مخالفت نرزد و چیزی غیر از او را نپرستد و این راه مستقیمی است که اعوجاج و انحرافی در آن نیست (خویی، بی‌تا: ۶۳۶).

- صراط مستقیم، عبارت است از صراطی که در هدایت مردم و رساندنشان به سوی غایت و مقصدشان، تخلف نکند، و صددرصد این اثر خود را ببخشد، آن راهی که هرگز در هدایت رهرو خود تخلف ننموده، و دائماً بر حال خود باقی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۳). هم چنین، طریقی است که عابر خود را به سوی خدا می‌رساند؛ یعنی به سعادت انسانی‌اش که مساوی است با قرب به خدا و کمال عبودیت (همان، ج ۱۷: ۹۰).

صراط مستقیم، «راه استقامت» در برابر «راه اعوجاج» است. راه معوج، آن است که با تخلف و اختلاف همراه است و صراط مستقیم راهی است که از این دو آسیب مصون باشد. صراط مستقیم، آئین خدا پرستی و دین حق و پایبند بودن به دستورات خدا است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۸).

صراط مستقیم، طریق خداشناسی و دین و انجام دستورات الهی است؛ زیرا آئین الهی نزدیکترین راه برای ارتباط با خدا است و چون نزدیکترین فاصله یکی بیش نیست. بنابراین؛ دین و آئین نمی‌تواند بیش از یکی باشد (داور پناه، ج ۱: ۱۲۲).

ج: سبیل

سبیل، راه و طریق که برای مذکر و مونث آمده است (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱: ۳۲۰). راه آسان و جمع آن سبل، و هر کاری که بدان رسیده شود چه خیر و چه شر باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۹۵).

تفاوت صراط و سبیل

ممکن است این مسأله به ذهن خطور نماید که صراط و سبیل در قرآن مترادف به کار رفته‌اند، اما با مراجعه به تفاسیر متوجه تفاوت این دو واژه در قرآن می‌شویم. از جمله تفاوت‌های این دو واژه به قرار ذیل می‌باشد:

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۵

۱. صراط در تمامی آیات قرآن به صورت مفرد آمده است ولی سیل هم به صورت مفرد و هم به صورت جمع آمده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۶۷).
۲. خداوند در قرآن صراط را به خود نسبت داده ولی سیل را به غیر خود هم نسبت داده است (همان).
۳. سیل ممکن است دچار آفت شود، ولی صراط دچار آفت نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۲).
۴. سیل ممکن است با شرک و ضلالت جمع شود؛ مانند ایمان. اما صراط با شرک و ضلالت جمع نمی‌شود (همان).
۵. سیل دارای مرتبه‌هایی است که برخی خالص و برخی ناخالص ولی در نهایت به صراط می‌رسد (همان).

مصادیق عینی صاحبان صراط مستقیم

برخی آیات صراط به مصادیق عینی آن را برشمرده‌اند. در شاخصه مصادیق عینی، این نکته قابل ذکر است که شاید شیطان بتواند سالکان غیر معصوم صراط مستقیم را جذب نموده و از راه باز دارد. اما هرگز توان دسترسی به اصل راه (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۶۱) و مصادیق عینی را ندارد. در ادامه به این مصادیق می‌پردازیم:

الف: پروردگار

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (هود/۵۶)؛ در حقیقت، من بر خدا، پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم. هیچ جنبنده‌ای نیست مگر این که او مهار هستی‌اش را در دست دارد. به راستی پروردگار من بر راه راست است.

در این آیه شریفه، خداوند متعال به عنوان صراط مستقیم معرفی شده است. نکته قابل ذکر این است که اسناد صراط به خداوند متعال و بر صراط مستقیم بودن او از آن جهت است که مصداق صراط (یعنی دین حق که مجموعه‌ای از معارف و قوانین اخلاقی، فقهی و حقوقی است)، از او نشأت گرفته و او مبدأ آن است. از سوی دیگر

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۶

پایان اعتقاد و عمل به این مجموعه، لقای مهر خداوند است. بنابراین، علتِ صحت اسناد صراط مستقیم به خدا آن است که مبدأ و منتهای آن ذات اقدس اوست؛ در حالی که مصحح اسناد آن به سالکان، هیچ یک از این دو علت (مبدأ و منتهای بودن) نیست، بلکه ناشی از رابطه و پیوندی عینی (البته پیوند معنوی و غیرمادی) است که بین سالک و صراط به وجود می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۹۷).

ب: پیامبر

در آیاتی از قرآن خداوند تبارک و تعالی رسول مکرم اسلام را بر صراط مستقیم بلکه عین صراط مستقیم می‌داند، در نتیجه تمام شئون و وظایف آن حضرت نیز عین صراط مستقیم می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۱۸). از جمله آیات:

آیه اول: یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ (۴-۱): یس [یاسین] سوگند به قرآن حکمت‌آموز، که قطعاً تو از [جمله] پیامبرانی، بر راهی راست.

آیه دوم: فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذِیْ اُوْحِیَ اِلَیْکَ اِنَّکَ عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ (زخرف/۴۳): پس به آنچه به سوی تو وحی شده است چنگ درزن، که تو بر راهی راست قرار داری.

ج: دین قیم

قُلْ اِنِّیْ هَدٰنِیْ رَبِّیْ اِلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ دِیْنًا قِیْمًا مِّلَّةَ اِبْرٰهَیْمَ حَنِیْفًا (انعام/۱۶۱): بگو، «آری! پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است: دینی پایدار، آیین ابراهیم حق‌گرای»

یکی از مصادیق صراط مستقیم از نظر قرآن کریم «دین قیم» است. دین قیم، دینی است که خود ایستاده است و دیگران را نیز برپا می‌دارد و سرّ این که از دین قیمی که همان صراط مستقیم است به «ملت ابراهیم» یاد می‌شود و دین به روش او نسبت داده می‌شود، این است که برجسته‌ترین روش را ابراهیم خلیل (علیه‌السلام) ارائه کرده است و «حنیف»، به معنای کسی است که در متن راه حرکت می‌کند و در مقابل «جنیف» و «متجانف»؛ یعنی کسی است که به راست یا چپ گرایش دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۶۶).

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۷

د: انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان

در سوره مبارکه حمد، درخواست به صراط مستقیم داریم؛ در ادامه بنده از خدا درخواست می‌نماید که: **صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ**. در این جا سؤال می‌شود که خداوند چه کسانی را نعمت داده است. قرآن خود به این پرسش پاسخ داده و می‌فرماید:

وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا (نساء/۶۹): و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته؛ [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند.

با تأمل در این آیه، چند نکته به دست می‌آید: اولاً: چهار گروه در صراطی هستند که مشمول نعمت پروردگارند که عبارتند از: نبیین، صدیقین، شهدا، صالحین. ثانیاً: اگر انسان اطاعت از خدا و رسول بنماید، نتیجه این اطاعت آن است که با این چهار گروه که در صراط مستقیم‌اند، خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۹ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۳).

اوصاف و نشانه‌های صراط

وقتی به اوصاف و نشانه‌های صراط در آیات مربوطه بنگریم، مشاهده می‌کنیم که صراط یکی بیش نیست. در ذیل به برخی از اوصاف وارده در این آیات می‌نگریم:

الف: بدون انحراف

در آیات متعددی، حدود ۲۷ مورد صراط با صفت مستقیم همراه شده است. که بیانگر ایستادگی و استواری و دوری از هر گونه گزئی و انحراف است (جوادی‌آملی، ج ۷: ۲۰۶).

ب: استوا

در یک آیه صراط با صفت سَوِی همراه شده است: **فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى** (طه/۱۳۵) سَوِی، در لغت آن است که از افراط و تفریط در اندازه و

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۸

کیفیت، به دور باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۴۰). و صراط سوی؛ یعنی بزرگ راه هدایتی که در حالت توسط و اعتدال قرار دارد و عاری از هر گونه انحراف است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۰۲)

ج: مصون از دستبرد شیطان

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ. هذا صِرَاطٌ عَلَىٰ مُسْتَقِيمٍ (حجر ۳۹/۴۱): گفت: «پروردگارا، به سبب آن که مرا گمراه ساختی، من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان خالص تو را از میان آنان» فرمود: «این راهی است راست [که] به سوی من [منتهی می‌شود]».

تفاسیر مختلفی در مشارالیه **هَذَا** نقل شده است. بسیاری از مفسران مشارالیه هذا را به اخلاص مخلصان برگردانده‌اند. صاحب الکاشف آورده است: هذه اشارة الى صيانة المخلصين من الشيطان و غوايته (مغنیه، ج ۴: ۴۷۸): اخلاص راهی است به سوی من که شیطان توانایی دستبرد به آن راه را ندارد (رک: صادقی، ۱۳۶۵، ج ۱۶: ۱۹۰).

د: وحدت آفرین

قرآن کریم، پیروی از صراط مستقیم را وحدت‌زا و نجات‌آفرین، و دنباله‌روی از سُبُل انحرافی را مایه چند دستگی می‌داند (جوادی آملی، ج ۷: ۲۰۶): وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ (أنعام/۱۵۳): و [بدانید] این است راه راست من. پس، از آن پیروی کنید و از راه‌ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی مکنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که به تقوا گرایید.

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۹

عوامل هدایت به صراط مستقیم

در اکثر مواردی که در قرآن بحث صراط مطرح شده، در کنار آن واژه هدایت آمده است. از راه‌های هدایت به صراط مستقیم با توجه به آیات صراط به این موارد می‌توان اشاره نمود:

الف: عبادت خدا

آیه اول: وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (یس/۶۱): و این که مرا پرستید این است راه راست. در این آیه، خداوند تبارک و تعالی مستقیماً به انسان خطاب نموده که همانا عبادت من صراط مستقیم است (طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۴۷۰).

آیه دوم: إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (زخرف/۶۴): در حقیقت، خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را پرستید این است راه راست. این آیه، حکایت دعوت حضرت عیسی (ع) است تنها به عبادت خدا و این که تنها خدای عزوجل رب او، و رب همگی ایشان است. و با این بیان، علیه کسی که قائل به الوهیت آن جناب بود اتمام حجت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۱۷۸).

ب: تبعیت از خدا، قرآن و رسولش

آیه اول: وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (زخرف/۶۱): و همانا آن، نشانه‌ای برای [فهم] رستاخیز است، پس زنده‌ها در آن تردید مکن، و از من پیروی کنید این است راه راست!

تفسیر متعددی در مشارالیه **هَذَا** نقل شده است؛ از جمله این که هذا، به قرآن اشاره دارد (مغنیه، ج ۶: ۵۵۶). بنابراین، تبعیت از قرآن انسان را به صراط مستقیم هدایت می‌کند. یا این که مرجع به پیغمبر و فرستاده خدا برگردد که تبعیت از فرستاده خدا صراط مستقیم می‌باشد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۴۸).

آیه دوم: وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ (انعام/۱۵۳): و [بدانید] این است راه راست من پس، از آن پیروی کنید. در این آیه، مشارالیه هذا، را توحید نبوت و شریعت دانسته‌اند

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۱۰

(فیض کاشانی، ج ۱: ۳۵۳) که معنا این چنین می شود که: توحید، نبوت و شریعت صراط من هستند پس از آنها تبعیت کنید.

ج: اعتصام به خدا

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (آل عمران/ ۱۰۱): و چگونه کفر می ورزید، با این که آیات خدا بر شما خوانده می شود و پیامبر او میان شماست؟ و هر کس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است.

در این آیه، کسی که به خدا تمسک نموده و اعتصام نماید را هادی به صراط مستقیم می داند.

صراط مستقیم نه صراط‌ها

از میان چهل و پنج آیه‌ای که واژه صراط ذکر شده، در شش آیه (فاتحه/ ۶، طه/ ۱۳۵، مومنون/ ۷۴، صافات/ ۱۱۸، یس/ ۶۶، ص/ ۲۲) به صورت معرفه، به کار رفته است. مدعیان پلورالیسم، به این دسته از آیات استنادی نکرده‌اند. اینان، به آیاتی که صراط به صورت نکره آمده استناد جسته‌اند و مدعی شده‌اند که از نکره بودن آن می توان به صراط‌های مستقیم رسید. اینان، به این نکته توجه نکرده یا نخواسته‌اند توجه کنند که برای دریافت حقیقت معانی آیات باید به قرائن دقت شود و گرنه هر کسی ممکن است دچار خطا و تفسیر به رأی شود. مراد از قرائن، اموری است که به نحوی ارتباط لفظی یا معنوی با کلام داشته و در فهم مفاد کلام و درک گوینده مؤثر باشد، خواه پیوسته به کلام (قرائن متصل) و خواه گسسته از کلام (قرائن منفصل) باشد (بابایی، ۱۳۷۹: ۱۱۰). در ادامه با توجه به این مسأله به تحلیل آیات می پردازیم:

۱) عدم استعمال واژه صراط به صورت جمع

یکی از دلایلی که صراط یکی بیشتر نمی تواند باشد، آن است که در چهل و پنج موردی که واژه صراط به کار رفته هیچ گاه این واژه به صورت جمع ذکر نشده است. اما در

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۱۱

مقابل، سبیل که جمع آن سبل است به کار رفته. در آیه: **وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ** (انعام/۱۵۳): و [بدانید] این است راه راست من پس، از آن پیروی کنید. و از راه‌ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی مکنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که به تقوا گرایید.

در این آیه صراط - که منظور از آن راه خداست - به صورت مفرد آمده و «سُبُل» - که منظور راه‌های دیگر است - به صورت جمع آمده و مفهوم آن این است که راه خدا فقط یک راه است؛ ولی راه‌های دیگر متفاوت و چندین و چند راه است. خط مستقیم میان دو نقطه بیش از یکی نمی‌تواند باشد که در عین حال نزدیک‌ترین هم هست. صراط مستقیم خدا هم یکی بیش نیست و این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی کثرت‌گرایی دینی را نفی می‌کند و سخن کسانی را که تمام ادیان را در هر زمانی قابل پیروی و نجات‌دهنده می‌دانند باطل می‌شمارد (جعفری، ج ۳: ۵۸۷).

۲) تنوین تفخیم نه تنکیر

مدعیان صراط‌ها به تعدادی از آیات استناد جسته و مدعی شده‌اند که تنوین در این آیات تنوین تنکیر است، و نکره بودن را دلیل بر این معنا گرفته‌اند که این آیات بر صراط‌ها دلالت دارند نه صراط. در ادامه به ذکر آن آیات و پاسخ هر یک به صورت موردی می‌پردازیم:

آیه اول: وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (مائده/۱۶): در المیزان این اشکال و پاسخ مطرح شده که عیناً نقل می‌شود: اگر صراط مستقیم چنین صراطی بود جا داشت همه جا مانند سوره حمد به صورت معرفه؛ یعنی **الصراط المستقیم** بیاید، در حالی که در آیه مورد بحث نکره آمده فرموده: **وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**، معلوم می‌شود صراطی مستقیم آن طور که شما گفتید یک صراط نیست، در پاسخ می‌گوئیم نکره آوردن کلمه همه جا به منظور این نیست که بفهماند کلمه مصداقی نامعین از مصادیق متعدد است،

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۱۲

بلکه گاه می‌شود که نکره آوردن صرفاً به منظور تعظیم و بزرگداشت مطلب است، و در آیه مورد بحث قرینه مقام دلالت دارد بر این‌که منظور همین تعظیم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۴۰۲).

آیه دوم: یس وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ، إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ، عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ تَنْزِیلَ الْعَزِیزِ الرَّحِیمِ (یس/۱-۴): تنوین در صراط برای تفخیم است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱: ۳۸۵) ذکر صراط به صورت نکره، به خاطر دلالت بر عظمت راه است و صفت استقامت توضیحی است چون در کلمه صراط استقامت خوابیده، صراط به معنای راه روشن و مستقیم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۹۰).

آیه سوم: وَأَنْ اعْبُدُونِیْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیمٌ (یس/۶۱): در ذیل آیه در کتب مختلف تفسیری، تنوین را برای بیان مبالغه و تعظیم و تفخیم دانسته‌اند که برخی عبارات در اینجا نقل می‌شود: و التَّنْکِیرُ لِلْمَبَالِغَةِ وَ التَّعْظِیمِ، (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۲: ۴۰) أَوْ لِلتَّبْعِیضِ (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۲۷۲) وَ التَّنْکِیرُ لِلتَّفْخِیمِ (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۷: ۴۲۲)؛ (درویش، ۱۴۱۵، ج ۸: ۲۱۹).

آیه چهارم: یَهْدِیْ مَنْ یَّشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ (بقره/۱۴۲). در اینجا، صراط نکره آمده است؛ چون که استعداد امت‌ها برای هدایت به سوی کمال و سعادت، و یا به عبارتی برای رسیدن به صراط مستقیم مختلف است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۸۱)؛ (داورپناه، ۱۳۷۵: ۲۲۵).

۳) الله صفت صراط

وَأِنَّکَ لَتَهْدِیْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ؛ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِیْ لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِیرُ الْأُمُورُ (شوری/۵۲-۵۳). در این آیه، صِرَاطِ اللَّهِ، بدل «صِرَاطِ مُسْتَقِیمٍ» است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۷: ۱۴۵) و صراط مستقیم را - که رسول خدا (ص) مردم را به سویش دعوت می‌کند - بیان می‌نماید (طباطبایی، ج ۱۸: ۱۱۵).

۴) معرفه (الصراط) نظام تشریع و نکره (صراط) نظام تکوین

در آیاتی که صراط مستقیم به صورت معرفه است، اشاره به نظام تشریع دارد و در آن‌ها که نکره‌اند، اشاره به نظام تکوین دارند. جوادی آملی در تفسیر سوره حمد آورده‌اند: هدایتی که در آیه کریمه (اهدنا الصراط المستقیم)، از خدای سبحان مسألت می‌شود، هدایت تکوینی است نه تشریعی؛ زیرا گوینده آن (نمازگزار یا قاری قرآن) پس از شناخت خدا، دریافت معارف و احکام دین و گرویدن به آن، از خداوند هدایت می‌طلبد. پس او در پی کسب و تحصیل حاصل نیست، بلکه او هدایتی نورانی می‌طلبد که در پرتو آن هم راه را به خوبی ببیند و هم پرتگاه‌های اطراف آن را بشناسد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۵۹). ایشان هم چنین ذیل آیه: إِنْ نِي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (هود/۵۶) آورده‌اند: در این آیه کلمه صراط نکره است ولی در سوره «فاتحة الكتاب» کلمه صراط معرفه است و فرق، آن است که گرچه در نظام تکوین همگان بر مسیر راست هستند و در این راه مستقیم هم اهل استقامتند چون زمام آن‌ها در همه شئون حرکت و انحای تحوّل به دست خدایی است که جز در راه راست کاری نمی‌کند، ولی در نظام تشریع، برخی، برابر دستورهای دینی عمل می‌کنند و برخی، از آن با افراط یا تفريط، منحرف می‌شوند که از صالحان راست کردار به «سالکان صراط مستقیم» یاد شده و از ظالمان زشت رفتار به (الْمَعْصُوبُ عَلَيْهِمْ) و (الضَّالِّينَ). گرچه نظام تشریع بر تکوین تکیه دارد، ولی عین آن نیست. از این رو، نظام تشریع راه مخصوصی است که در سوره فاتحه از آن به طور معرفه (الصراط) یاد شده و از راه تکوین که طریق خاص نیست به طور نکره (صراط) تعبیر شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۰۸).

۵) استعمال مشارالیه مفرد

یکی از قرینه‌هایی که ما را به این مطلب دلالت می‌نماید که صراط یکی بیش نیست، حرف اشاره **هٰذَا** می‌باشد:

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۱۴

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (آل عمران/ ۵۱) (مریم/ ۳۶)؛ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ (حجر/ ۴۱)؛ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (یس/ ۶۱)؛ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلْسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (زخرف/ ۶۱)؛ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (زخرف/ ۶۴)؛ وَ هَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا (انعام/ ۱۲۶)

۶) قرینه روایات در تفسیر آیات

در تفسیر و برداشت از آیات، بدون استمداد از روایات ممکن است هر کسی تفسیر به رای کند. در ادامه روایاتی که در ذیل برخی آیات آمده را نقل می‌نماییم:

روایت اول) صراط مستقیم دین محمد(ص)

در روایتی از رسول خدا(ص) در تفسیر صراط مستقیم در ذیل آیه: اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ آمده است: دین الله الذی نزل به جبرئیل (ع) علی محمد (ص) (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۲) در این روایت به صراحت دین پیامبر خاتم را صراط مستقیم معرفی نموده است.

روایت دوم) صراط مستقیم سبیل رشد

در تفسیر آیه: وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (انعام/ ۱۵۳) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که، با دست مبارک خود خط مستقیمی بر زمین کشیدند و فرمودند: این راه مستقیم است که یکی بیش نیست. سپس خطوطی از راست و چپ آن خط ترسیم کرده و فرمودند: این‌ها راه‌هایی است که شیطان به آن دعوت می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۵۶).

روایت سوم) تفسیر «انعمت علیهم و لا الضالین»

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (فاتحه/ ۷) روایتی در تفسیر «غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین» آن را بر یهودیت و مسیحیت انطباق داده است که

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۱۵

لازمه آن انقضای حقانیت آن دو آیین است و گرنه در صورت بقای حقانیت آنها حدیث مزبور بی معنا خواهد بود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۴)

حاصل کلی این سه روایت این است که دین حق، همان دین رسول خدا است و هدایت و سعادت بشری در این دین می باشد. در خصوص تفسیر صراط مستقیم روایات مختلف دیگری وجود دارد که از ذکر آنها خودداری و به همین تعداد بسنده می شود.

۷) خارج از موضوع بودن در استناد به برخی آیات

کسانی که مدعی شده اند که صراط مستقیم در قرآن به صورت نکره به کار رفته است، بنابراین می توان از تنکیر صراط، صراطها را برداشت نمود، نمی توانند به همه آیات استناد نمایند، چرا که برخی از آنها خارج از موضوع می باشند. در ادامه بدین آیات اشاره خواهیم نمود:

آیه اول:

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (بقره/۱۴۲): به زودی مردم کم خرد خواهند گفت: «چه چیز آنان را از قبله ای که بر آن بودند رویگردان کرد؟» بگو: «مشرق و مغرب از آن خداست هر که را خواهد به راه راست هدایت می کند.»

این آیه نیز در خصوص تغییر قبله است (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۷۸). در کتب مختلف تفسیری بدان اشاره شده است.

آیه دوم:

وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَإِلْحَالٍ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (آل عمران/۵۰-۵۱): و [می گوید: «آمده ام تا] تورات را که پیش از من [نازل شده] است تصدیق کننده باشم، و تا پاره ای از آنچه را

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۱۶

که بر شما حرام گردیده، برای شما حلال کنم، و از جانب پروردگارتان برای شما نشانه‌ای آورده‌ام. پس، از خدا پروا دارید و مرا اطاعت کنید»، «در حقیقت، خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید [که] راه راست این است.»

این آیه چنان که روشن است، سخن حضرت عیسی علیه‌السلام است و سخن در این است که عبودیت خدای متعال صراط مستقیم است و هیچ دلالتی بر این مسأله که همه صراط‌ها مستقیم است ندارد.

آیه سوم:

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (نحل/ ۱۲۰-۱۲۱): به راستی ابراهیم، پیشوایی مطیع خدا [و] حق‌گرای بود و از مشرکان نبود. [و] نعمت‌های او را شکرگزار بود. [خدا] او را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد.

این آیه در خصوص حضرت ابراهیم (ع) و برگزیده شدن او به نبوت می‌باشد.

آیه چهارم:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (بقره/ ۲۱۳): مردم، امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد- پس

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۱۷

از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد- به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود، [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد. و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

این آیه سبب تشریع اصل دین را بیان می‌کند، که چرا اصلاً دینی تشریع شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۶۸). در جای دیگری آمده است: از آیه فوق، به طور ضمنی این حقیقت نیز روشن شد که آغاز پیدایش دین و مذهب به معنی واقعی کلمه، همان زمان پیدایش جامعه انسانی به معنی حقیقی بوده است؛ بنابراین، جای تعجب نیست که نخستین پیامبر اولوالعزم و صاحب کتاب و قانون و شریعت، حضرت نوح (ع) بوده است نه حضرت آدم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۹۸).

آیه پنجم:

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (هود/۵۶): در حقیقت، من بر خدا، پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم. هیچ جنبنده‌ای نیست مگر این که او مهار هستی‌اش را در دست دارد. به راستی پروردگار من بر راه راست است.

این آیه، کلام هود می‌باشد و در کتب مختلف تفسیری بدان پرداخته شده است (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۳۹).

نتیجه

آن چه می‌توان به عنوان حاصل این جستار مطرح نمود این است که؛ اولاً: برای درک مفاهیم قرآن باید منظومه آیات قرآنی را در مسأله مجموعاً در نظر گرفت و نمی‌توان با استناد به یک یا چند آیه و بدون در نظر گرفتن قرائن و مجموع آیات مطروحه در

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۱۸

خصوص آن موضوع، نظر خود را بر قرآن تحمیل نمود. چنان که برخی با این کار علاوه بر تفسیر به رأی دچار انحراف در عقیده شدند. در این مقاله، منظومه آیات صراط مورد بررسی قرار گرفت و حاصل آن چیزی غیر از آنچه مدعیان صراطها مطرح نمودند، به دست آمد.

کتابنامه

- ❖ قرآن کریم؛ ترجمه: فولادوند
- ❖ ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی تا)، لسان العرب، بیروت: دارصاد.
- ❖ ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی - دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ❖ آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ❖ بابایی، علی اکبر و دیگران، (۱۳۷۹)، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران: سمت.
- ❖ بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ❖ جعفری، یعقوب، (بی تا)، کوثر.
- ❖ جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، سیره پیامبران در قرآن، محقق: علی اسلامی، ج ۶: پنجم.
- ❖ _____، (۱۳۸۸)، تفسیر تنسیم، ج ۱؛ قم: اسراء هشتم.
- ❖ _____، (۱۳۸۹)، تفسیر تنسیم. محقق: سعید بند علی و عباس رحیمیان، ج: ۱۹، قم: اسراء دوم.
- ❖ _____، (۱۳۸۵)، هدایت در قرآن، محقق: علی عباسیان. دوم.
- ❖ _____، (۱۳۸۸)، ادب فنای مقربان، ج ۳، محقق: محمد صفایی، پنجم.
- ❖ _____، (۱۳۸۸)، ادب فنای مقربان، ج ۷، محقق: محمد صفایی.

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۱۹

- ❖ _____ (۱۳۸۸)، قرآن در قرآن، محقق: محمد محرابی. هشتم.
- ❖ حقی پروسوی اسماعیل، (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر مکان.
- ❖ خویی، سید ابوالقاسم، (بی تا)، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه: نجمی / هاشم زاده هریسی.
- ❖ داورپناه، ابوالفضل، (۱۳۷۵ ش)، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات صدر، اول.
- ❖ درویش، محیی الدین، (۱۴۱۵ ق)، اعراب القرآن و بیان، سوریه: دارالارشاد، چهارم.
- ❖ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، اول.
- ❖ راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، (۱۴۰۵ ق)، فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ❖ سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۷)، صراط های مستقیم، تهران: موسسه فرهنگی صراط، اول.
- ❖ سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی: قم.
- ❖ صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
- ❖ طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.
- ❖ طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرين، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، سوم.
- ❖ طوسی، محمد بن حسن، (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت دار احیاء التراث العربی، تحقیق: با مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی.
- ❖ طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸ ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، دوم.
- ❖ عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵)، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، چهارم.
- ❖ فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ ق)، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: محمد کاظم محمودی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اول.
- ❖ فیض کاشانی ملامحسن، (۱۴۱۸ ق)، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تحقیق: محمد حسین درایتی و محمدرضا نعمتی، اول.

تبیین و ارزیابی آیات «صراط مستقیم» در قرآن ۲۰

- ❖ مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ❖ مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ❖ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه، اول.

